



جاودان‌ترین سرود عاشقانه است

شعر: پرویز بیگی حبیب آبادی

بی شوخی

خیلی‌ها از اینکه ترامپ بخواهد اسم خلیج فارس را عوض کند عصبانی هستند. در صورتی که این آقای بیش از اندازه محترم نیز، حتما دلایلی برای خودش دارد. به برخی از این دلایل توجه فرمایید:

طہیزداز
مہدی محمدی

۶) او همیشه از رؤسای جمهور آمریکا انتقاد می‌کرد که چرا در خلیج فارس این قند دارند هزینه می‌کنند. اما الان خودش هم دارد هزینه می‌کند. با خودش گفته است: اسمش را عوض می‌کنم تا اگر خبرنگاری پرسید پس چرا خودت در خلیج فارس می‌روی؟ بگویم: نه خبر آنجایی که من هستم هزینه کردم اسمش خلیج فارس نبود که من خلیج دیگر بود.

۷) خلاصه آن را هانسن چنین دربار آب‌های جنوب ایران از هانسن شنیدیم به او حواله بدهید. او نمی‌داند ایرانی‌ها ضرب المثلی دارند که در آن عنوان شده است. اما در درد با دهان یک موجود کوچک، پاکی خودش را از دست نمی‌دهد.

- ۱) فیلم‌های زیادی از گلف بازی کردن ترامپ در فضای مجازی وجود دارد که نشان می‌دهد علاقه زیادی به گلف دارد. از آنجا که در آمریکا معادل کلمه خلیج گلف است ترامپ هم وقتی اسم پرشین گلف را می‌شود فکر می‌کند این گلف هم مثل آن گلف، بچه بازی است.
- ۲) دهه‌ها سال است این همه نیروهاشان را در خلیج فارس کرده‌اند، ولی نتوانسته‌اند تغییری بکنند. با خودش می‌گوید: حالا که واقعیت را تغییر دهم حداقل اسم را تغییر دهم.
- ۳) ترامپ احساس می‌کند این همه علمی - تخیلی در آمریکا ساخته می‌شود و راست که خودش هم در یک علمی - تخیلی بازی کند. البته فی‌بازی می‌کند علمی نیست ولی عمو جایی که دلتان بخواهد تخیلی شما اطلاع دارید که بعضی خلیج فارس به او هوپمای شخصی داده‌اند، ولی ایران به او کوفت هبه نداده. این قضیه او را ناراحت کرده می‌خواهد نام خلیج فارس را

خران مشکاتیان

قلمه «خران» یکی از هجده قطعه موسیقی در البوم «لحظه دیدار» به آهنگ سازی پرویز مشکاتیان است که از آثار ماندگار این هنرمند فقید در وادی موسیقی اصیل ایرانی به حساب می آید. این البوم که در سال ۱۳۶۲ منتشر شده است جایزه اول جشنواره جهانی موسیقی «صدای روح» ایتالیا را از آن خود کرده است. برای شنیدن این موسیقی بی کلام کد را اسکن کنید.

قطعه «خزان» یکی از هجده قطعه موسیقی در البوم «لحظه دیدار» به آهنگ سازی پرویز مشکاتیان است که از آثار ماندگار این هنرمند فقید در وادی موسیقی اصیل ایرانی به حساب می آید. این البوم که در سال ۱۳۶۲ منتشر شده است



با همه این تفاوت‌ها، پدر را همچون ستونی در زیست هنرمندان خود حفظ می‌کند. در گفت‌وگوهایش بارها به نقش پدر اشاره می‌کند. به باور او، بلکه با واقعی‌تر آمیختن با محبت، با همسرش، همدل و همراه است و با فرزندانش، پدری صبور و عاشق. آن‌ها او را بیشتر در پشت ساز می‌یابند تا پشت فرمان یا استو کلوپزیون. «پرویز شاکریان»، جایی که او به موسیقی، همسرش هوا و در آن‌جا دارد. شاگردانی دارد که نه فقط نوازندگی که چنین بازی از وی آموختند. او موزن را نوعی رسالت می‌داند؛ نه انتقال صرف دانش، بلکه بیدار کردن ذوق و اندیشه.

برپرویز مسکاتیان اهل نمایش نبود. از شهرت و بازار هنر دوری می‌کرد. بیشتر از آنکه در جشنواره‌ها بدرخشید، در خلوت خانه‌اش می‌نشست و قطعاتی می‌نوشت که بوی خاک باران خورده، نیایش‌ورا را می‌داد. با هوشنگ ابتهاج همکاری داشت. تصنیف‌های بسیاری ساخت. با گروه‌های بسیاری همکاری کرد. با محمدرضا شجریان، حسین علیزاده، محمدرضا لطفی، ایرج بسطامی، علی جهاندار، محمدرضا نوربخش و سایر بزرگان دنیای موسیقی ایران رفاقت داشت. کتاب‌های

روایت روز

شکستیم به هزاویک دلیل از آن حجم ترساک و
وسیع منابع معنوی و دریایی و خدماتی
و زیرزمینی خلیج فارس چقدرش را
مدیریت کرده‌ایم و تبدیلیش کرده‌ایم؟
درآمد و آوری‌های سفره مردم از
میعانات گازی و چاه‌های نفتی
غریبه‌ها چقدر سهم داریم؟ مسئله‌ای
است که با کدام عینک ببینیم، ولی در
هر صورت ما مقصریم، با یعنی هر کسی
این ستون را می‌خواند، خواه که
نویسنده‌ام و تا حالا یک قصه درمورد
خلیج فارس نوشته‌ام تا تویی که می‌خوانی و
مسئولی که خواهد خواند، مقصریم افراد به
قدری و سهمی. با حرف مفت و هزارد
دلفک که نام چند هزارساله این خطه و پهنه‌اش

کجاست؟ چندتا جزیره داریم؟ کدام استان ایران است؟ اطلاعاتی دارند؟ دم‌گوشی‌تر می‌گویم، می‌رویم بپزیم بطری‌های سرخ جزیره هرمز را می‌آوریم توی خانه که بکنیمش توی چشم دروه‌هسابه‌یکه «آره دیگه گفتیم باشه به جایم بره که باشه، خلوت باشه، بومگردی ترومیز داشته باشه دیگه رفتیم هرمز، اینم، خاکی آوانجاست، کالوری بیست دلار قیمتشه، کاربرد آرایشی دیگه، بیست‌گفتیم به یادگاری کوچولو باید بیاریم.» تعارف نداریم، ما یک کاشی از ایران را متعلق به خودمان نمی‌دانیم و ترسناک است که همین استوری و بیست هزار نفر که کاشی‌های کارستان، البته همه‌کاشه‌ها را هم سر خودمان

توی دهه ۸۰ بود. به گمانم توکل بود یا گوگل مپ که اسم خلیج فارس را تغییر داد و چیزی نوشت که حتی از شنستن هم بد می آید. مجله همنشهری جوان که عین رگب می فروخت و نیامده روی گیشه بخار می شد و عیب کارزاری را، انداخته رفتیم توی لینکی واضع کردیم که خلیج فقط خلیج فارس، ما آن سال ها تلفن همراه همشوند داشتیم. فقط فیس بوک بود و آن هم روی رایانه و تمام.

مردک دوباره حرف رایگان زده، رایگان تر از اینکه در زمان کرونا گفته بودم که مردم واکنس و اینتکس تزریق کنن و اینکس و اینکس بخورند که بدشان شد عفونی شود و این بابا هم ما جوش آوردیم. غریبه که بیمان نیست جوش آوردمان دو جور بود. یک عده پست گذاشتند و یک عده دیگر به یک استوری بسنده کردیم اما واقعا همین بس است به بچه دبیرستانی هایمان بگویم خلیج فارس را



نام «خلیج فارس»
همچون «ایران»
بر بلندای تاریخ
تا ابد می درخشد.